

سفره ایرانی زیر فشار گرانی؛

تورم خوراکی ها از ۱۲۸ درصد گذشت

درمان گران در ایران؛ چرا بیماران درمان را نیمه کاره رها می کنند؟

در صفحه ۲

متکی: جنگ زمینی علیه ایران بلوف است ۹۰ روز سختی در پیش داریم

در صفحه ۸



۳۰درصد ایرانیان سالمند می شوند؛ نظام سلامت آماده نیست

در صفحه ۸

گوترش: جنگ راه حل نیست، ایران-آمریکا مذاکره کنند

در صفحه ۸

چین برای بسته بودن طولانی تنگه هر مز مهیا می شود

در صفحه ۲

کالابرگ و داستان یک تغییر بزرگ یارانه محور

روزنامه

یزشکیان: به نگاه و روحیه جهادی در مدیریت کشور نیاز داریم



رئیس جمهور گفت: برای حل مسائل کشور باید از توان افراد عالم، توانمند و باانگیزه استفاده کرد.

جمعی از فعالان و متخصصان جهادی حوزه کشاورزی در نشست با مسعود پزشکیان رئیس جمهور، ضمن تشریح ظرفیت ها و محدودیت های موجود کشور، مجموعه ای از طرح ها و برنامه های اجرایی خود را برای توسعه تولید محصولات کشاورزی و تامین مواد غذایی مورد نیاز کشور با اتکا به منابع و امکانات داخلی ارائه کردند.

در این نشست، راهکارهای عملیاتی برای ارتقای امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات و تخصیص ارز، مناسب با شرایط اقلیمی و محدودیت منابع آبی کشور مورد بررسی قرار گرفت.

توسعه و افزایش بهره‌وری در تولید گوشت قرمز، گوشت مرغ و طیور، اصلاح الگوی کشت، ارتقای بهره‌وری اراضی کشاورزی، توسعه کشت‌های کم‌آب‌بر و استفاده از روش های نوین و دانش بنیان در تولید از جمله محورهای مطرح شده در این نشست بود.

فعالان و متخصصان حاضر همچنین بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های سنتی تولید، افزایش بهره‌وری نهاده‌ها و منابع، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود و فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول در بخش کشاورزی تأکید کردند و برنامه‌های پیشنهادی خود را با رویکرد کاهش مصرف آب، افزایش بهره‌وری و تقویت تولید داخلی ارائه دادند.

پزشکیان در این نشست با استقبال از رویکردها و طرح های ارائه شده، اظهار داشت: امروز سیاست گذاری و برنامه‌ریزی، گفت: کشور علاوه بر مسائل و تبعات ناشی از جنگ، با مجموعه ای از ناترازی ها و چالش های اقلیمی از جمله محدودیت منابع آبی مواجه است توسعه ای را بر مبنای مزیت‌ها و محدودیت‌های واقعی سرزمینی سامان دهم.

رئیس جمهور با تأکید بر ضرورت تبدیل ایده‌ها و پیشنهادها به برنامه‌های مشخص و قابل اجرا، خطاب به ارائه‌کنندگان طرح‌ها گفت: برنامه اجرایی و عملیاتی طرح‌های خود را به

دولت ارائه دهید؛ دولت از آنها پشتیبانی خواهد کرد.

پزشکیان همچنین بر ضرورت تحول در شیوه‌های مدیریتی و اداری کشور تأکید کرد و گفت:

با نظام اداری کند و ذهن های بسته نمی‌توان به اهداف موردنظر دست یافت و ادامه این روند جز اتلاف زمان و منابع نتیجه‌ای نخواهد داشت. امروز بیش از هر زمان دیگری به نگاه، تفکر

و روحیه بسیجی و جهادی و مدیریت مسائل کشور نیازمندیم.

رئیس جمهور با اشاره به تجربه مدیریتی خود اظهار داشت: من خودم در سطوح مختلف

مدیریتی، مدیر جهادی بوده‌ام و هر آنچه انجام داده‌ام با همین رویکرد بوده و به این نگاه

اعتقاد دارم. پزشکیان اصلاح نظام اداری و مدیریتی کشور را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دانست

و در عین حال خاطرنشان کرد که تحقق این اصلاحات نیازمند غلبه بر مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و فشارهای موجود و مستلزم یک فرآیند تدریجی و نظام‌مند و واقع‌بینانه است.

رئیس جمهور همچنین بر ضرورت رعایت الزامات محیط‌زیستی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای بخش کشاورزی تأکید کرد و گفت: در طرح‌ها و اجرای این برنامه‌ها باید ملاحظات

محیط‌زیستی و پایداری اکوسیستم مورد توجه جدی قرار گیرد و به گونه‌ای عمل شود که

اجرای طرح‌های تولیدی مورد موجب برهم خوردن تعادل اکولوژیکی و تشدید آسیب‌های زیست‌محیطی نشود.

پزشکیان پیشنهاد کرد مجریان طرح‌ها، در صورت نیاز، جلسات تخصصی خود را با

کارشناسان مربوطه برگزار و برنامه‌های پیشنهادی را از نظر فنی، اقتصادی، منابع آب،

الگوی کشت و ملاحظات محیط‌زیستی مورد بررسی و تکمیل قرار دهند.

رئیس جمهور با تأکید بر حمایت دولت از طرح‌های عملیاتی و قابل اجرا در حوزه کشاورزی

و امنیت غذایی اظهار داشت: دولت با تمام توان از طرح‌های مؤثر و عملیاتی حمایت و برای

رفع موانع اداری موجود در مسیر اجرای آنها اقدام خواهد کرد.

پزشکیان همچنین بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت مشارکت مردمی در اجرای این برنامه‌ها

تأکید کرد و گفت: باید از حداکثر ظرفیت مردم، به‌ویژه جوامع محلی و روستایی، استفاده

شود و زمینه مشارکت فعال روستایان و بهره‌برداران بخش کشاورزی در طراحی و اجرای

طرح‌ها فراهم شود.

جنايات آمريکا عليه ايران پس از رپايش مادورو، آزمون

بزرگ دولت دوم ترامپ بوده؛آزمونی که با فرسایش توان واشنگتن، ناکامی در اهداف و مقاومت تهران، شکاف قدرت و هيمنه آمريکا را آشکار کرد.

تجاوز به خاک ايران در دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ را نمی توان صرفا یک رویارویی نظامی میان واشنگتن و تهران دانست؛ این جنگ متجاوزهانه به آزمونی برای سنجش حدود قدرت آمريکا تبديل شد.

پس از آنکه واشنگتن با رپایش نیکلاس مادورو در ونزوئلا این تصور را تقویت کرد که می تواند با اتکا به قدرت نظامی، ساختار سیاسی کشورها را دگرگون کند، تجاوز به ايران آزمون بزرگ تری را پیش روی این محاسبه قرار داد.

مقاومت ايران، تداوم توان پاسخ، افزایش هزینه های نظامی آمريکا و ناتوانی واشنگتن در تبديل ضربات نظامی به نتیجه سیاسی مطلوب، شکافی از آشکار کرد که فراتر از یک شکست یا موفقیت در میدان جنگ است، شکافی میان قدرت نظامی آمريکا و توانایی آن برای تحمیل اراده سیاسی که

می تواند پایه‌های هيمنه این کشور و محاسبات بازگیران نظام بین‌الملل را دستخوش تغییر کند.

نوهم قدرت ملل: از نمایش رپایش مادورو تا خطای محاسباتی در ايران

عملیات نظامی آمريکا علیه ونزوئلا و رپایش مادورو در ۱۳ دی ۱۴۰۴ (زاتویه ۲۰۲۴) را باید یکی از مهم‌ترین نشانه‌های رویکرد تهاجمی دولت دوم ترامپ دانست. نیروهای آمريکایی با حمله به

خاک ونزوئلا، مادورو و همسرش را ربودند و به آمريکا منتقل کردند؛ اقدامی که واشنگتن را از

سیاست فشار، تحریم و تهدید به مرحله مداخله مستقیم و حذف فیزیکی راس قدرت یک کشور

رساند. ترامپ نیز پس از این عملیات اعلام کرد که آمريکا برای مدتی اداره ونزوئلا را در دست

خواهد گرفت.

اهمیت این رخداد برای ايران زمانی بیشتر آشکار شد که واشنگتن می‌توانست از تجربه کاراکاس چنین برداشتی پیدا کند که با وارد کردن ضربه‌ای برق‌آسا، حذف راس قدرت و ایجاد شوک در

ساختار سیاسی، می‌توان یک کشور را به سمت تغییر مطلوب آمريکا سوق داد.

در چنین محاسبه‌ای، مادورو صرفاً یک هدف نبود، بلکه به نمونه‌ای از قابلیت جدید دولت ترامپ تبديل می‌شد؛ قابلیتی که نشان می‌داد واشنگتن دیگر الزاما به تحریم و فشار سیاسی بسنده

نمی‌کند و در صورت فراهم شدن شرایط، مستقیماً برای تغییر معادله قدرت وارد عمل می‌شود.

از همین منظر، شباهت‌سازی میان کاراکاس و تهران می‌توانست برای طراحان جنگ علیه ايران

جذاب باشد اما این مقایسه از ابتدا با تفاوت‌های بنيادینی روبه‌رو بود. ايران از نظر گستردگی

سرزمینی، ساختارهای سیاسی و امنیتی، توان موسیقی و پهنادی، عمق راهبردی، موقعیت جغرافیایی

و ظرفیت اثرگذاری منطقه‌ای با ونزوئلا قابل قیاس نبود.

بنابراین، فرض اینکه رپایش یا حذف چند چهره کلیدی بتواند همان شوک سیاسی ایجادشده

در ونزوئلا را در ايران تکرار کند، به معنای نادیده گرفتن تفاوت میان آسیب‌پذیری یک حکومت

و آسیب‌پذیری یک نظام سیاسی بود.

حملات متجاوزهانه آمريکا با همراهی رژیم صهیونیستی به ايران نشان داد که انتقال الگوی کاراکاس

به تهران با نواهی بسیار بزرگ ت مواجه است. ساختار سیاسی و امنیتی ايران پس از حملات و

تروهای همدند از کار نیتقاد و کشور وارد خلأ قدرت نشد؛ در مقابل، روند تصمیم‌گیری و

پاسخ نظامی ادامه یافت.

همین مسئله، نخستین شکست در محاسبه‌ای بود که قدرت نظامی آمريکا را با توانایی ایجاد

فروپاشی سیاسی یکسان می‌گرفت و تصور می‌کرد ضربه به راس ساختار، به‌صورت خودکار کل

ساختار را از هم خواهد پاشید.

از این منظر، مادورو نقطه آغاز یک تصور و ايران نقطه آزمون آن تصور شد؛ تصویری که می‌گفت

واشنگتن می‌تواند با اتکا به قدرت نظامی و اطلاعاتی خود، حاکمیت کشورها را مستقیماً

دگرگون کند و هزینه مقاومت را به حدی برساند که طرف مقابل راهی جز تسلیم نداشته باشد

اما آنچه در برابر ايران آشکار شد، شکاف میان توان اجرای عملیات "و توان تغییر معادله سیاسی"

بود؛ شکافی که در ادامه جنگ، نه تنها به ضربات نظامی پر شد بلکه با افزایش هزینه‌های آمريکا

و استمرار مقاومت ايران عمیق‌تر شد.

ايران چگونه محاسبات جنگ را برهم زد؟

جنگ علیه ايران در نگاه آمريکا و متحدان صهیونیست قرار بود فاصله میان برتری نظامی و

فروپاشی سیاسی را از میان بردارد اما حملات متجاوزهانه آنها حتی با هدف قرار دادن مراکز

حساس و چهره‌های ارشد، نتوانستند ساختار تصمیم‌گیری ايران را از کار بیاندازند.

بنابراین، ساختار حاکمیتی در ايران به فعالیت خود ادامه داد، توان پاسخ نظامی حفظ شد و تهران

به جای پذیرش شروط واشنگتن، هزینه ادامه جنگ را برای طرف مقابل افزایش داد. همین

واقعیت، فرض اولیه‌ای را که ضربه سنگین را مقدمه فروپاشی می‌دانست، با شکست مواجه کرد.

از نگاه ناظران، این شکست فقط سیاسی نبود و در سطح نظامی نیز هزینه‌های جنگ برای آمريکا

به نقطه‌ای رسید که در ادامه جنگ، نه تنها به ضربات نظامی پر شد بلکه با افزایش هزینه‌های آمريکا

و استمرار مقاومت ايران عمیق‌تر شد.

بر اساس گزارش رویترز در ۵ اوت (۱۲ مرداد)، ارتش آمريکا در جریان جنگ تقریباً تمام ذخایر

موشک‌های سامانه موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS) و موشک‌های تهاجم دقیق (Prsm)

خود را مصرف کرده و نزدیک به نیمی از ذخایر جهانی

موشک‌های تاماهاوک نیز به کار گرفته شده است؛

همزمان، برآوردهای منتشرشده از مصرف حدود ۶۵ درصد رهگیرهای پاتریوت حکایت دارد.

این ارقام اگر چه به معنای پایان توان نظامی آمريکا

نیست اما نشان می‌دهد ادامه جنگ برای واشنگتن با

فرسایش سریع و ذخایر راهبردی و افزایش هزینه

جایگزینی آنها همراه شده است.

در همین حال، تنگه هرمز به مهم‌ترین اهرم فشار مقابل

ايران تبديل شد؛ ابراهی که پیش از جنگ مسیر عبور

حدود یک پنجم نفت جهان بود، اکنون به خاطر

تجاوزات غیرقانونی امريکا عملاً با توقف شدید تردد

کشتی‌ها مواجه شده است و تلاش ترامپ برای

بازگشایی آن به یکی از محورهای اصلی مذاکرات

تبديل شده است.

ترامپ در ادامه گرافه‌گویی‌های خود، حتی در ۱۴ اوت (۲۳ مرداد) از احتمال اعلام هرمز به عنوان

"قلمرو آمريکا" سخن گفت؛ موضعی که خود نشان می‌دهد مسئله از یک عملیات نظامی علیه ايران

به مناقشه‌ای بر سر توان آمريکا برای بازگرداندن وضعیت مطلوب خود تبديل شده است.

از این منظر، هرمز فقط یک گذرگاه دریایی نیست، بلکه نماد تغییر جهت معادله جنگ است.

واشنگتن جنگ را با این تصور آغاز کرد که با وارد کردن ضربات سنگین می‌تواند رفتار تهران

را تغییر دهد اما اکنون بازگشایی یک مسیر حیاتی اقتصاد جهانی به موضوعی تبديل شده که

امريکا برای حل آن به فشار، مذاکره و میانجیگری متوسل می‌شود؛

بنابراین، نقطه شکست محاسبه آمريکا را نباید صرفاً در میزان خسارت واردشده یا تعداد اهداف

منهدمشده جست‌وجو کرد؛ شکست اصلی زمانی رخ داد که قدرت آتش نتوانست به قدرت

تحمیل اراده تبديل شود. ايران نه تنها از فرپاشی مورد انتظار عبور کرد، بلکه با حفظ توان پاسخ

و ایجاد هزینه‌های نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی برای آمريکا، جنگ را از یک حمله یک‌طرفه

به معادله‌ای تبديل کرد که واشنگتن برای پایان دادن به آن ناچار به چانه‌زنی است. همین جابه‌جایی،

پایه نوآوری روانی هيمنه آمريکا را همزمان هدف قرار داده است.

فروپاشی هيمنه پواشی

جنگ علیه ايران پیامد خود را به میدان نبرد محدود نکرد و به محاسبات کشورهایی رسید که

سال‌ها رفتار خود را بر مبنای قدرت و تهدید آمريکا تنظیم کرده بودند.

امروزه آنچه تغییر کرد، فقط ارزیابی از توان نظامی واشنگتن نیست بلکه اعتبار تهدید آمريکا

است؛ یعنی این تصور که هرگاه آمريکا وارد یک درگیری شود، طرف مقابل در نهایت ناچار به

پذیرش خواسته‌های آن خواهد شد. فرسایش این تصور می‌تواند برای واشنگتن از یک شکست

نظامی مهم‌تر باشد زیرا بازدارندگی پیش از آنکه با شلیک موشک شکل بگیرد، با باور طرف

مقابل به پیامد مقاومت شکل می‌گیرد.

این تحول برای متحدان آمريکا نیز پیامد مستقیم دارد. کشورهای اروپایی و دولت‌های منطقه

که طی دهه‌های گذشته امنیت خود را تا حد زیادی به حضور و تضمین‌های واشنگتن گره زده

بودند، اکنون با این پرسش مواجه‌اند که اگر آمريکا در یک رویارویی گسترده نتواند به سرعت

نتیجه مورد نظر خود را تحمیل کند و همزمان با فرسایش ذخایر تسلیحاتی و افزایش هزینه‌های

جنگ روبه‌رو شود، تا چه اندازه می‌توان بر تضمین‌های آن برای بحران‌های آینده تکیه کرد؟

در چنین شرایطی، تنوع بخشی به روابط امنیتی و تقویت ظرفیت‌های مستقل می‌تواند از یک

انتخاب سیاسی به ضرورتی راهبردی تبديل شود. چین و روسیه نیز می‌توانند از این تجربه

برای بازنگری در محاسبات مربوط به توان مداخله آمريکا و هزینه جنگ‌های طولانی

استفاده کنند؛ در غرب آسیا نیز دولت‌هایی که پیش‌تر حضور نظامی آمريکا را ضامن اصلی

امنیت خود می‌دانستند، انگیزه بیشتری برای گسترش همزمان روابط با قدرت‌های شرقی

پیدا می‌کنند.

تنگه هرمز این تغییر محاسبه را عینی‌تر نشان داد. ابستگی اقتصاد جهانی به این گذرگاه و

ناتوانی آمريکا در بازگرداندن سریع شرایط پیش از جنگ، هزینه‌ای را به نمایش گذاشت

که واشنگتن برای مدیریت پیامدهای رویارویی مستقیم باید بپردازد.

اختلال در صادرات انرژی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، فشار بر بازارهای جهانی و

مصرف ذخایر تسلیحاتی آمريکا نشان داد که جنگ علیه ايران فقط برای تهران هزینه ایجاد

نمی‌کند بلکه هزینه قدرت‌نمایی واشنگتن را به اقتصاد و امنیت متحدان آن نیز منتقل می‌کند؛

همین مسئله محاسبه کشورها درباره اتکا به آمريکا را پیچیده‌تر می‌سازد.

در نهایت، آنچه در برابر جهان قرار گرفته، لزوماً تصویر آمريکایی بی‌قدرت نیست، بلکه

تصویر آمريکایی است که حدود قدرتش آشکارتر شده است؛ قدرتی که می‌تواند حمله

کند اما دیگر نمی‌تواند صرفاً با اتکا به تصویر شکست‌ناپذیری خود، نتیجه جنگ را از پیش

تعین‌شده فرض کند.

اگر پیش از این بسیاری از کشورها محاسبات خود را با این پرسش آغاز می‌کردند که "امريکا چه

می‌خواهد؟"، تجربه ايران این پرسش را به "امريکا برای رسیدن به خواسته‌اش تا کجا می‌تواند

پیش‌برود و چه هزینه‌ای باید بپردازد؟" تغییر داده است؛ تغییر همین پرسش، نشانه‌ای از فروپاشی

هيمنه‌ای است که سال‌ها بر ترس از هژمونی آمريکا و باور به شکست‌ناپذیری آن استوار بود.

عراقچی:

خیال باطل "تسلیم

بدون قید و شرط" ايران

در جنگ محقق نشد

خودروهای وارداتی آمدند؛

قطعاتشان کجاست؟

با وجود افزایش تنوع خودروهای وارداتی، کمبود قطعات یدکی و ضعف شبکه خدمات پس از فروش همچنان یکی از چالش‌های جدی مالکان این خودروهاست؛ به‌گونه‌ای که یک کارشناس خودرو نسبت به واردات خودروهای محدود بدون پشتوانه مناسب برای تامین قطعه و گارانتی هشدار داد.

همزمان با افزایش تنوع خودروهای وارداتی در بازار ايران، یکی از پرسش‌های اساسی که کمتر از دیگر موضوعات مانند قیمت، تعرفه و میزان واردات مورد توجه قرار گرفته، این است که خودروهای واردشده تا چه اندازه از زیرساخت لازم برای ارائه خدمات پس از فروش برخوردار هستند؛ چراکه واردات یک خودرو صرفاً به معنای ورود آن به کشور و تحویل آن به مصرف‌کننده نیست؛ بلکه تامین مستمر قطعات یدکی، ایجاد شبکه تعمیرگاهی، تامین قطعات مصرفی و بدنه و مهم‌تر از همه، ایفای تعهدات مربوط به گارانتی، بخش جدایی‌ناپذیر چرخه عمر یک خودرو محسوب می‌شود.

این وضعیت در حالی مطرح می‌شود که تعداد بالای شرکت‌های واردکننده و افزایش تنوع برندها و مدل‌های خودرو، از یک سو حق انتخاب بیشتری در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهد، اما از سوی دیگر در شرایط تحریمی و تورم پیوسته می‌تواند بازار خدمات پس از فروش را برانگیزد و تامین قطعات را برای هر یک از این خودروها دشوارتر کند. به بیان دیگر، مسئله امروز تنها موضوع چند خودرو وارد کشور شده است؟ نیست، به عبارتی باید پرسید برای این خودروها چه میزان قطعه، چه شبکه‌ای از خدمات و چه سازوکار مشخصی برای ایفای تعهدات پس از فروش وجود دارد؟

در این رابطه، نادر وهاب آقایی - کارشناس خودرو و حوزه خدمات پس از فروش خودرو - در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت خدمات پس از فروش و تامین قطعات خودرو، اظهار کرد: در حوزه خدمات پس از فروش و نیاز مصرف‌کنندگان پس از خرید خودرو، همچنان مشکل کمبود قطعه در کشور وجود دارد. با توجه به اینکه قیمت دلار طی یک سال گذشته افزایش قابل توجهی داشته، شرکت‌ها نیز به دلیل افزایش نرخ ارز، قطعاتی را که در اولویت قرار دارند وارد می‌کنند و در وهله نخست تنها به واردات قطعات ضروری و حساس می‌پردازند تا

در صورت بروز مشکل برای موتور خودرو، امکان تعمیر آن وجود داشته باشد. در مقابل، سایر

قطعات از جمله قطعات مربوط به بدنه خودروها یا دشواری بیشتری وارد و تامین می‌شود.

وی افزود: از سوی دیگر، طبق قانون شرکت‌های خودرویی موظف هستند تامین قطعه را به

مدت سال نسبت به محصولاتی که عرضه می‌شود، فراهم کنند، اما واقعیت این است که

برخی از شرکت‌هایی که سال پیش اقدام به واردات خودرو کرده‌اند، امروز حتی دیگر وجود

ندارند و حتی برخی از آنها تعطیل شده‌اند. در برخی موارد نیز شرکت‌هایی خودروهایی را

وارد کرده‌اند که مدل آنها در ادامه با نسخه‌های جدیدتر جایگزین شده و در مصرف قطعات

این خودروها می‌توان گفت مسئولیت مشخصی متقبل نمی‌شوند.

وهاب آقایی ادامه داد: حتی در رابطه با بسیاری از خودروهای مونتاژی داخلی، نه تنها برخی

قطعات در شرکت وجود ندارند، بلکه این قطعات در بازار نیز یافت نمی‌شوند. این موضوع

در رابطه با خودروهای وارداتی شدت بیشتری دارد؛ چراکه برای شرکت‌هایی که تعداد

محدودی خودروی وارداتی وارد می‌کنند، صرفه اقتصادی لازم برای ایجاد شبکه خدمات

پس از فروش و تامین تمامی قطعات وجود ندارد و حتی در برخی موارد شرکت‌ها تامین

قطعات اساسی را نیز به‌طور کامل بر عهده نمی‌گیرند.

این کارشناس خودرو تصریح کرد: وقتی مصرف‌کننده نیز از مجاری قانونی اقدام به پیگیری

می‌کند، در بسیاری از موارد راه به جایی نمی‌برد؛ چراکه فرآیند تامین قطعه به اندازه‌ای زمان‌بر

می‌شود که مصرف‌کننده از پیگیری تامین قطعه توسط شرکت واردکننده صرف‌نظر می‌کند.

وی با اشاره به روند واردات خودروهای متون در تعداد محدود، گفت: شرکت‌های واردکننده

خودرو اخیراً اقدام به واردات مدل‌های متنوعی از خودرو کرده‌اند، اما این مدل‌ها در تعداد

محدودی وارد می‌شوند و در بهترین حالت ممکن این تعداد تنها بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ دستگاه

باشد. همین موضوع نشان می‌دهد که برای چنین تعدادی نمی‌توان یک شبکه خدمات پس

از فروش مناسب ایجاد کرد.

وهاب آقایی در پاسخ به این موضوع که با توجه به شرایط اقتصادی کشور و واقعیت‌های

اقتصادی ايران، آیا ضرورتی دارد این تعداد خودروی متنوع اما در تعداد محدود وارد کشور

شود، اظهار کرد: در سایر کشورهای دنیا نیز

خبر

پشت پرده یک ابهام حقوقی درباره دریای خزر؛ کنوانسیون چه می‌گوید؟



لایحه الحاق ایران به کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر چه تغییری در حقوق ایران ایجاد می‌کند؟ همزمان با بررسی لایحه الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر در مجلس شورای اسلامی، پرسش‌های متعددی درباره ماهیت این سند، آثار حقوقی آن و نسبت آن با حقوق تاریخی ایران مطرح شده است.

بخشی از این پرسش‌ها ناشی از پیچیدگی مباحث حقوق بین‌الملل و بخشی دیگر حاصل خلط میان مفاهیم مختلف حقوق دریاها، تعیین حدود مرزهای دریایی و رژیم حقوقی دریای خزر است.

از این رو، پیش از هرگونه قضاوت موافق یا مخالف، ضروری است بداییم کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر اساسا چه سندی است، چه موضوعاتی را تنظیم می‌کند و چه موضوعاتی اساسا خارج از قلمرو آن قرار دارد.

رژیم حقوقی دریای خزر؛ چرا به یک کنوانسیون نیاز بود؟
دریای خزر به عنوان بزرگترین دریاچه جهان ویژگی‌های جغرافیایی و حقوقی خاص خود را دارد که با توجه به همین وضعیت خاص حقوقی نیازمند تعیین رژیم حقوقی بر مبنای اجماع کشورهای ساحلی را دارد. تا پیش از سال ۱۹۹۱، تنها دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سواحل آن قرار داشتند و روابط حقوقی طرفین بر اساس معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تنظیم می‌شد. اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سه کشور جدید در کنار روسیه در سواحل دریای خزر شکل گرفتند و تعداد کشورهای ساحلی به پنج کشور افزایش یافت. این تحول، ضرورت تدوین یک چارچوب حقوقی جدید را برای تنظیم روابط میان کشورهای ساحلی، حفظ امنیت، بهره‌برداری از منابع، کشتیرانی، ماهیگیری و حفاظت از محیط زیست دریای خزر اجتناب‌ناپذیر کرد.

کنوانسیون چه موضوعاتی را تنظیم می‌کند؟

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، سندی برای تعیین قواعد کلی حاکم بر این پهنه آبی است. از مهم‌ترین محورهای آن می‌توان به تعیین دریای سرزمینی تا ۱۵ مایل دریایی، پیش‌بینی منطقه انحصاری ماهیگیری تا ۱۰ مایل دریایی، قواعد کشتیرانی، همکاری در حفاظت از محیط زیست، مقابله با جرم‌های دریایی، همکاری‌های اقتصادی، احترام به حاکمیت کشورهای ساحلی و سازوکارهای امنیتی اشاره کرد. از منظر امنیتی نیز، این کنوانسیون بر ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای غیرساحلی در دریای خزر و ممنوعیت استفاده از قلمرو کشورهای ساحلی علیه سایر دولت‌های ساحلی تأکید می‌کند، اصلی که در راستای حفظ امنیت و ثبات منطقه‌ای قابل ارزیابی است.

کنوانسیون چه موضوعاتی را تعیین نمی‌کند؟

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در تحلیل این سند باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر، سند تقسیم دریای خزر نیست و فقط از نظر تقسیم سهم هر کشور به ویژه در زمینه بستر و زیربستر آن در محدوده و در خارج از محدوده سواحل تعیین گردیده است. این کنوانسیون، سهم هیچ‌کلی از کشورهای ساحلی از بستر و زیربستر دریای خزر را تعیین نمی‌کند و هیچ درصدی را از دریای خزر را برای جمهوری اسلامی ایران یا سایر کشورها مقرر نمی‌سازد. همچنین این سند جایگزین مذاکرات مربوط به تعیین حدود بستر و زیربستر میان کشورهای دارای سواحل مجاور یا مقابل، نیست، بلکه این موضوع را به توافق‌های بعدی میان همان کشورها واگذار کرده است.به بیان دیگر، کنوانسیون، چارچوب کلی همکاری را مشخص می‌کند؛ اما تعیین خطوط مرزی دریایی و نحوه تقسیم برخی منابع، موضوع مذاکرات و توافق‌های مستقل میان دولت‌های ذیربط خواهد بود.

جایگاه حقوقی کنوانسیون

در حقوق بین‌الملل، معاهدات چندجانبه زمانی آثار الزام‌آور داخلی پیدا می‌کنند که مطابق تشریفات قانونی هر کشور تصویب شوند. در جمهوری اسلامی ایران نیز، بررسی و تصویب معاهدات بین‌المللی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و طی مراحل مقرر در قانون اساسی است. از این منظر، بررسی کارشناسی و حقوقی چنین اسنادی، بخشی از فرآیند قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری ملی است و آگاهی افکار عمومی از مفاد واقعی این اسناد، می‌تواند زمینه گفت‌وگویی دقیق‌تر و مبتنی بر مستندات حقوقی را فراهم سازد.

شناخت دقیق مفاد کنوانسیون، تفکیک میان آنچه این سند تنظیم می‌کند و آنچه تعیین آن را، به مذاکرات بعدی واگذار کرده است، شرط لازم برای تحلیل متصفانه و حقوقی این موضوع به شمار می‌رود، تحلیلی که بر مدار قانون، اسناد معتبر و منابع بلندمدت کشور استوار باشد؛ و می‌تواند این کنوانسیون مبنایی برای ادامه گفت‌وگوها در چارچوب دیپلماسی عزتمندانه جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد تا سهم عادلانه‌ای از این پهنه برای ملت شریف ایران، کسب کند.

وزیر جهاد کشاورزی:

کیفیت پایین نان مربوط به گندم وارداتی

نیست،از نانوائی و طرح اختلاط است

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه سازمان‌های متعدد ازجمله سازمان ملی استاندارد بر کیفیت گندم وارداتی نظارت دارند، گفت: اگر کیفیت گندم وارداتی مورد تایید سازمان ملی استاندارد نباشد، آن گندم وارد کشور نمی‌شود. غلامرضا نوری قزلبچه، وزیر جهاد کشاورزی در پاسخ به سوال ایلنا مبتنی بر اینکه «گفته شده که بی‌کیفیتی نان به دلیل استفاده از گندم بی‌کیفیت وارداتی در تهیه نان است، آیا این موضوع صحت دارد؟» گفت: سازمان‌های متعدد ازجمله سازمان ملی استاندارد بر کیفیت گندم وارداتی نظارت دارند. نوری قزلبچه با بیان اینکه اگر کیفیت گندم وارداتی مورد تایید سازمان ملی استاندارد نباشد، آن گندم وارد کشور نمی‌شود، گفت: مطمئن باشید که گندم در قالب استانداردهای مشخص و معین وارد کشور می‌شود به ویژه واردات کالاهای کشاورزی خبیل با دقت دستگاه‌های نظارتی وارد خواهد شد.وی با تأکید بر اینکه ما نیز نظارت‌های لازم را بر کیفیت گندم وارداتی داریم، گفت: شرکت بازرگانی دولتی، نمونه‌برداری‌ها و کنترل را در میدا دارند و در ورودی هم سازمان استاندارد و سازمان غذا و دارو و مراجع نظارتی نمونه‌برداری می‌کنند و اگر استاندارد معین را نداشته باشد، هیچ وقت اجازه ترخیص نمی‌دهند.وزیر جهاد کشاورزی ادامه داد: بنابراین از این پایت نگرانی نیست و کیفیت نان به کارهای فنی نانوائی‌ها یا اختلاط گندم بازمی‌گردد.

سفره ایرانی زیر فشار گرانی؛ تورم خوراکی‌ها از ۱۲۸ درصد گذشت

جدیدترین آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۲۸٫۱ درصد رسیده است؛ رقمی که از تورم عمومی ۸۷٫۹درصدی کشور فاصله درخور توجهی دارد.

تورم مواد غذایی در بازار ایران سرقمی شده و مصرف انواع کالاهای اساسی را بنا بر روایت تولیدکنندگان ریزشی کرده است. تولیدکنندگان می‌گویند کاهش مصرف مواد غذایی در کشور در حدی بوده که در مواردی نیاز به واردات کالا را برطرف کرده و برنامه افزایش تولید را در واحدهای تولیدی فعلا متوقف کرده است.

با این حال، غلامرضا نوری‌قزلبچه، وزیر کشاورزی، می‌گوید جنگ و تورم باعث رشد افسارگسیخته قیمت مواد غذایی شده است. در آنالیز عوامل افزایش قیمت مواد غذایی که وزارت کشاورزی ارائه داده است، رشد قیمت برخی نهاده‌های تولید گاهی به ۳۵۰ درصد می‌رسد و هزینه تولید مواد غذایی در ایران را گزاف کرده است.

شکاف تورم مواد غذایی از تورم عمومی
جدیدترین آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در تیرماه ۱۴۰۵ به ۱۲۸٫۱ درصد رسیده است؛ رقمی که از تورم عمومی ۸۷٫۹درصدی کشور فاصله درخور توجهی دارد. بر این اساس، هزینه خرید یک سبد ثابت مواد غذایی نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از دو برابر شده و همین موضوع سبب شده است سرانه مصرف انواع کالاهای

اساسی در کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.

حالا براساس گزارش شکل‌های صنفی تولیدکنندگان مواد غذایی، مصرف انواع گوشت قرمز و سفید و تخم‌مرغ بین ۲۵ تا ۵۰ درصد کاهش داشته و سرانه مصرف لبنیات سقوط قابل توجهی را تجربه کرده و از حدود صد کیلوگرم در ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی، به ۴۰ کیلوگرم در حال حاضر رسیده است. در همین زمینه فرزاد طلاکش، دبیر کل فدراسیون طیور کشور، در اردیبهشت اسمال گفته که علت کمیاب‌نشدن مرغ در بازار، کاهش مصرف بوده است. او در ادامه از کاهش ۲۵ تا ۳۰درصدی سرانه مصرف گوشت مرغ در کشور خبر داده و به تجارت‌نیزو گفته که جوجه‌ریزی هم به همین میزان کم شده است و اگر شرایط اقتصادی ب‌گونه‌ای بهتر شود که مصرف گوشت مرغ افزایش داشته باشد، میزان کنونی جوجه‌ریزی کفایت نمی‌کند و نسبت عرضه و تقاضا به‌هم می‌ریزد و قیمت هم به تبع آن بالا خواهد رفت.

در همین زمینه رضا مبصری، دبیر انجمن تولیدکنندگان زنجیره گوشت مرغ، در مرداد اسمال به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است که «براساس میزان تولید ماهانه ۲۳۰ تا ۲۴۰ هزار تن مرغ و تولید سالانه دومیلیون و ۷۰۰ هزار تن و جمعیت کشور، سرانه مصرف ۲۵ تا ۲۷ کیلوگرم است». این میزان سرانه مصرف می‌تونه در سال‌های گذشته روند کاهشی را پشت سر گذاشته و از حدود ۳۲ کیلوگرم در سال ۱۳۹۹ به حدود ۲۵ تا ۲۷ کیلوگرم در سال جاری رسیده است. کاهش سرانه مصرف مرغ در حالی رخ می‌دهد که سالیان سال گوشت مرغ در سفره ایرانیان جایگزین گوشت قرمز شده بود. وضعیت بازار گوشت قرمز به مراتب ناساعدت‌تر بوده است.

مسعود رسولی، دبیر انجمن صنعت بسته‌بندی گوشت و مواد پروتئینی کشور، در خرداد ۱۴۰۵ به مهر گفته است که کشور اسمال نیاز به واردات گوشت قرمز ندارد؛ زیرا «بازار تقاضا نسبت به سال گذشته حدود ۵۰ درصد کاهش یافته، از این‌رو جمعیت دام داخل تمام نیاز بازار به گوشت قرمز را تأمین می‌کند».

او همچنین در ادامه گفته است: «آمار جوجه‌ریزی فروردین ۱۴۰۴ حدود ۱۶۰ میلیون قطعه بود و این آمار در فروردین بعدی افزایش خواهد بود».

به اذعان متخصصان، با پیش‌بینی سالمندشدن ۳۰ درصد جمعیت ایران در ۳۰ سال آینده، نظام سلامت کشور در حالی با «سونامی سالمندی» مواجه است که هنوز زیرساخت‌ها و نیروی انسانی متخصص لازم برای پاسخگویی به نیازهای این جمعیت فراهم نشده است.

دکتر فاطمه السادات میرزاده – متخصص طب سالمندی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت و گو با ایسنا در تعریف سالمند سالم گفت: سالمند سالم از نظر بعد جسمی، روانی، شناختی و روحی باید فردی کاملا سالم باشد و اگر مبتلا به بیماری است، این بیماری کاملا تحت کنترل باشد و هیچ گونه عوارضی را برایش به جا نگذارد.او در پاسخ به این سوال که با توجه به پیش‌بینی افزایش قابل توجه سالمندان در سال‌های آینده آیا ساختار فعلی نظام سلامت کشور برای مواجهه با سونامی سالمندی آمادگی لازم را دارد؟ گفت: متأسفانه خیر، ما هیچگونه آمادگی برای ۳۰ سال آینده که قرار است ۳۰ درصد جمعیت ما را سالمندان تشکیل دهند و از کشورهای

سالمند دنیا شویم، نداریم.وی همچنین با اشاره به مهم‌ترین کمبودها در حوزه نیروی انسانی، مراکز تخصصی، مراقبت در منزل و خدمات توانبخشی گفت: مهم ترین کمبود ما، کمبود نیروی متخصص و آموزش دیده در حوزه‌های مختلف برای سالمندان است. از نظر پزشکی، پرستار، کمک بهیار، قسمت‌های توانبخشی، فیزیوتراپ، کاردرمانگر، گفتار درمانگر و... هیچ برنامه‌ریزی ساختارمندی که این کمبودها را بتوان جبران کرد وجود ندارد. نبود متخصص طب سالمندی، بحرانی در راستای سونامی سالمندی است.

وی در پاسخ به این سوالی درباره اولویت فوری نظام سلامت برای مواجهه با سالمندی جمعیت، گفت: آموزش نیروی متخصص مهم‌ترین اقدامی است که باید انجام شود که فقط در شهر تهران به صورت جدی انجام می‌شود و هیچ کدام از شهرهای کشور این آموزش را ندارند. محیط بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها نیز باید مجهز شوند. سالمندان ممکن است به دلیل نبود رمپ و خرابی آسانسور و تخت نامناسب در بیمارستان‌ها دچار مشکل شوند.

میرزاده همچنین درباره دچای بی‌توجهی امروز به مقوله سالمندی جمعیت، گفت: اولین بحران کمبود تخت های بیمارستانی در بخش های مختلف است. همچنین کمبود

۱۴۰۵ حدود صد میلیون قطعه گزارش شد. بنابراین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد تولید گوشت مرغ کاهش پیدا کرده است». این تجربه در بازار تخم‌مرغ نیز تکرار شده است. حمیدرضا کاشانی، رئیس اتحادیه مرکزی مرغداران مپهن، در بهمن سال گذشته به ایلنا از کاهش ۴۰درصدی مصرف تخم‌مرغ پس از حذف ارز ترجیحی خبر داده است. همچنین محمد فرید، سخنگوی انجمن صنایع لبنی ایران، به ایسنا گفته که مصرف لبنیات در سال جاری حدود ۱۰ درصد کاهش داشته است.

علی احسان ظفری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی نیز



در مرداد اسمال به باشگاه خبرنگاران جوان گفته است: «در حال حاضر متوسط سرانه مصرف لبنیات به کمتر از ۴۰ کیلوگرم رسیده، این در حالی است که سرانه مصرف لبنیات در سال ۸۹ به بیش از صد کیلوگرم می‌رسید. همچنین براساس آمار، در سال ۸۹ در کشور هزارو ۲۰۰ واحد فعال لبنی داشتیم که اکنون به کمتر از ۲۵۰ واحد رسیده است.»

تأثیر جنگ و تورم بر بازار مواد غذایی

تورم درخور توجه مصرف مواد غذایی در شرایطی رخ می‌دهد که غلامرضا نوری‌قزلبچه، وزیر کشاورزی، در یک نشست خبری اخیر خود توضیح داد که در طول جنگ بازار مواد غذایی با کمبود مواجه نشده است، اما تولیدکنندگان می‌گویند بخشی از علت این ماجرا به تورم سرقمی مواد غذایی و کاهش مصرف مردم برمی‌گردد.

با این حال وزیر کشاورزی رشد قابل توجه قیمت مواد غذایی در بازار ایران را تحت تأثیر عواملی خارج از برنامه‌ریزی وزارت کشاورزی دانست و گفت که جنگ و تورم تأثیر قابل ملاحظه‌ای روی هزینه تمام‌شده قیمت مواد غذایی داشته است. وزارت کشاورزی در ادامه به تحلیل شاخص‌هایی پرداخت که باعث افزایش قابل ملاحظه مواد غذایی شده‌اند.

براساس گزارش وزارت کشاورزی، جنگ همچنین هزینه ریسک تجارت و حمل را به قیمت کالا و مواد غذایی تحمیل کرده است؛ به‌عنوان مثال فروشندگان خارجی که قبل از جنگ به تحویل کالا در بنادر ایران متعهد بودند، پس از جنگ و با محاصره دریایی ایران، بار را در مبدأ تحویل می‌دهند و ریسک‌های بعدی را بر عهده خریدار گذاشته‌اند. علاوه بر این، جنگ باعث شده است فروشندگان کالا را به صورت نقدی بفروشند و زیر بار معاملات اعتباری نروند.

همین مسئله هزینه تأمین مالی واردات را افزایش داده است که این افزایش هزینه حدود ۲٫۵ درصد نسبت به کل قیمت کالا برآورد می‌شود. این در شرایطی است که قبل از جنگ بازرگانان ایرانی معمولا خریدهای اعتباری را بین سه تا شش ماه انجام می‌دادند، ولی پس از جنگ ناچار شده‌اند به اصرار فروشندگان خارجی، کل وجه را قبل از بارگیری تسویه کنند.

پس از جنگ کرایه حمل داخلی کالا هم صعودی بوده و



پیشنهاد کرد و گفت: «یکی از مهم‌ترین موارد فرهنگی، تغییر نگاه و دید مردم است. مردم زمانی که صحبت از سالمندی و پیرشدن می‌شود، دیدگاه منفی نسبت به این موضوع دارند؛ به طوری که گویا یک دوره سیاهی است که قرار است ما را ببلعد. در صورتی که سالمند بودن در کشورهای دیگر این معنا را از دست داده و با سالمند به عنوان گنجینه رفتار می‌شود. با سالمندی نیز باید همانند دیگر دوره‌های زندگی رفتار شود. ما باید بتوانیم مردم را آگاه کنیم که سالم زندگی کنند و روش زندگی سالم را پیش بگیرند. اگر از همین امروز از سالمندی ترسیم و دید روشنی به این موضوع داشته باشیم، قطعا جامعه نیز به آرامی پذیرا خواهد بود.میرزاده همچنین درباره مهم‌ترین بیماری‌ها و مشکلات اجتماعی و روانی شایع در دوران سالمندی اظهار کرد: مهم‌ترین بیماری‌هایی که در سالمندی شایع است بیماری‌های قلبی عروقی، مغزی عروقی، بیماری‌های شناختی مانند آلزایمر است که با افزایش سن، شیوع این بیماری‌ها نیز افزایش می‌یابد. سندروم‌های دوران سالمندی مثل زمین خوردن، ضعف و ناتوانی و بی‌اختیاری‌های ادرار، افسردگی و اضطراب از مواردی است که با افزایش سن

سفره ایرانی زیر فشار گرانی؛ تورم خوراکی‌ها از ۱۲۸ درصد گذشت

چیزی حدود ۳۰ درصد به کرایه حمل کالا از بنادر افزوده شده است. گذشته از این، آسیب‌دیدن برخی صنایع مادر در جریان جنگ هزینه بسته‌بندی مواد غذایی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

اساس گزارش وزارت کشاورزی با تخریب واحدهای فولاد و پتروشیمی و صنایع بالادستی بسته‌بندی، هزینه بسته‌بندی مواد غذایی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است؛ به عنوان مثال هزینه هر بطری کوچک روغن قبل از جنگ پنج هزار تومان بوده و هم‌اکنون به ۳۰ هزار تومان رسیده است.

قیمت یک حلب روغن پنج کیلویی قبل از جنگ ۷۷ هزار تومان بوده و در حال حاضر به ۲۰۰ هزار تومان رسیده و قیمت هر گونی آرد که قبل از جنگ هفت هزار تومان بود در حال حاضر به ۳۳ هزار تومان رسیده است.

موضوع دیگر تأثیر ناترازی انرژی و تخریب زیرساخت‌های انرژی در جنگ بر تولید مواد غذایی است که باعث کاهش عرضه و افزایش قیمت شده؛ به طور مثال کاهش عرضه گوشت مرغ در دهه سوم اردیبهشت به دلیل مشکلات تأمین برق مثالی است که وزارت کشاورزی از آن یاد می‌کند.

در گزارش وزارت کشاورزی به مواردی اشاره می‌شود که بر افزایش قیمت مواد غذایی تأثیر گذاشته اما به صورت مستقیم با جنگ ارتباط نداشته است. افزایش ۶۰ درصدی دستمزد کارگران یکی از این

موارد است. گذشته از این هزینه انرژی برای واحدهای تولیدی و تولیدکنندگان اسمال بین ۴۰ تا ۲۰۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

همچنین هزینه حمل‌ونقل در یک سال گذشته حدود ۹۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده است. گذشته از این حذف ارز ترجیحی در زمستان سال گذشته سبب شده است که قیمت کودهای شیمیایی صعودی شود. به عنوان مثال کودهای فسفاته و پتاسه حدود ۳۰۰ درصد افزایش قیمت داشته و کود اووه رشد ۱۵۰ درصدی قیمت را تجربه کرده است.

رشد قیمت سموم کشاورزی هم پس از حذف ارز ترجیحی حدود ۱۵۰ درصد برآورد شده است. در بخش تولید پروتئین هم حذف ارز ترجیحی قیمت خوراک دام و طیور را حدود ۳۵۰ درصد افزایش داده است؛ در این بخش قیمت هر کیلوگرم ذرت از ۱۱ هزار و ۳۰۰ تومان به ۴۳ هزار تومان رسیده و بهای هر کیلوگرم کنجاله از ۲۰ هزار و ۳۰۰ تومان به ۸۵ هزار تومان رسیده است.

حذف ارز ترجیحی همچنین قیمت هر کیلوگرم روغن خام را از ۵۵ هزار تومان به ۲۸۵ هزار تومان رسانده است. گزارش آماری وزارت کشاورزی به تأثیر تصمیمات جدید بودجه‌ای در افزایش قیمت غذا می‌پردازد و تأکید می‌کند که حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان منابع و مصارف بودجه از محل‌هایمانه مانند مالیات بر ارزش‌افزوده، حقوق ورودی کالا و گمرکات و هزینه عمرانی شهرداری‌ها و دیهاری‌ها با تحمیل هزینه اضافه بر زنجیره تولید و تأمین کالاهای اساسی ایجاد شده است.

همچنین هزینه تأمین مالی واحدهای تولیدی و تولیدکنندگان به حدود ۵۰ درصد رسیده است. همچنین هزینه خدمات، اجاره، تعمیرات، تجهیزات و ماشین‌آلات اسمال حدود ۷۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش داشته است.

با این حال صعود قابل توجه قیمت مواد غذایی از نگاه کارشناسان می‌تواند تا دهه‌ها بر اقتصاد و زندگی مردم کشور تأثیر بگذارد؛ تأثیری که می‌تواند شامل افزایش قابل ملاحظه هزینه‌های درمانی باشد و از طریق تأثیر سوء بر رشد کودکان، دهه‌ها کشور را گرفتار آثار اقتصادی و زیستی ناشی از آن کند.

۳۰ درصد ایرانیان سالمند می‌شوند؛ نظام سلامت آماده نیست

بروز می‌کنند.وی زمان شروع مراقبت افراد از خود را دوران میانسالی دانست و در عین حال درباره برنامه‌های فعلی کشور برای سالمندی جمعیت باتوجه به سرعت تغییر جمعیتی، گفت: همه دستگاه‌ها باید دست به دست هم دهند تا روزی که قرار است ۳۰ میلیون جمعیت سالمند در کشور وجود داشته باشد، دچار بحران نشویم. حتی اگر همین امروز هم بخواهیم زیرساختی انجام بدهیم باز هم چشم انداز مناسبی نخواهیم داشت.

او همچنین درباره سه اولویت اصلی زیرساختی کشور برای دوران سالمندی جمعیت به ایسنا گفت: اولویت اصلی باید آگاه‌سازی مردم باشد. سالمند سالم قطعا هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. اولویت دوم آموزش حوزه درمان است. اولویت سوم بحث جامعه و شهرسازی است که در هر جایی افرادی که مسئولیت دارند آمادگی داشته باشند.

وی درباره مدل خدمات مورد لزوم برای سالمندانی که خانواده توان مراقبت تمام وقت از آنها را ندارد یا از نظر مالی در مضیقه هستند، گفت: در سایر کشورها، بیمه‌هایی را ایجاد کردند که برخی از مراقبت‌ها را تحت پوشش خود قرار دهند تا هزینه‌ها کاهش یابد. برای این خانوارها که سالمندان‌شان نیاز به مراقبت ۲۴ ساعته دارند، بعد روانی نیز کم‌رشدن است.

وی همچنین به نیروی موسسات کار در منزل اشاره کرد و گفت: این موضوع نیز از معضلاتی است که کسی مسئولیتش را نبرعهده نمی‌گیرد؛ موسساتی تحت عنوان مراقبت در منزل که افرادی را می‌فرستند که هیچگونه تخصصی برای مراقبت از سالمندان ندارند. متأسفانه آسیب‌های بسیار زیاد و غیر قابل جبرانی را فرد سالمند و خانواده او محتمل می‌شوند. آموزش دادن به افرادی که در منزل مراقبت می‌کنند بسیار مهم است و باید مدرک معتبری نیز داشته باشند.

میرزاده در پاسخ به سوالی درباره بیمه مراقبت‌های طولانی مدت نیز به ایسنا گفت: این بیمه‌ها حتما باید به صورت برنامه ریزی شده باشد تا شرکت های بیمه به سمت ورشکستی سوق پیدا نکنند. کشورهای دیگر در حال اجرای این بیمه‌ها هستند و این سرفه شرایط و ساز و کارهایی ایجاد کردند که بتوانند این خدمات را به همه ارائه دهند. در حال حاضر در ایران برنامه اجرایی همه‌گیر ایجاد نشده است و هنوز در مرحله آزمایشی است.

سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ورزشی

خبر

کالابرگ و داستان یک تغییر بزرگ یارانه محور



دولت چهاردهم با حذف ارز چندتدریخی و انتقال عایدات آن به جریان پرداخت حمایت‌های معیشتی در قالب کالابرگ الکترونیک، مسیر جدیدی را در تخصیص یارانه دولت تعریف کرد؛ مسیری که به طور مستقیم با سفره مردم سر و کار دارد.با آغاز اجرای طرح جدید کالابرگ الکترونیک از ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۴، یارانه جدید کالابرگ به‌جای پرداخت به واردکنندگان، به‌صورت مستقیم و اعتباری در اختیار مصرف‌کنندگان نهایی قرار گرفت. البته پرداخت مستقیم یارانه به مردم از دی‌ماه ۱۴۰۴ آغاز نشده است. در زمستان ۱۳۸۹، دولت وقت با اجرای قانون هدمندی یارانه‌ها، یارانه‌های پنهان بخش انرژی را حذف و مبلغی را به‌صورت نقدی به حساب سرپرستان خانوار واریز کرد. با افزایش تورم، ارزش این یارانه به تدریج کاهش یافت و تجربه آن نشان داد که پرداخت یارانه بدون اصلاحات همزمان اقتصادی، به‌ویژه در حوزه ارز و انرژی، نمی‌تواند اثر پایدار داشته باشد.

پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و بروز بحران ارزی، دولت دوازدهم ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای واردات کالاهای اساسی اختصاص داد، اما این سیاست نیز نتوانست مانع کاهش قدرت خرید مردم شود.

دولت سیزدهم در اردیبهشت ۱۴۰۱ ارز ۴۲۰۰ تومانی را حذف و منابع آن را به‌صورت نقدی میان دهک‌ها توزیع کرد؛ اقدامی که با شوک قیمتی همراه شد. پس از آن، اجرای کالابرگ الکترونیکی در دستور کار قرار گرفت و در ادامه ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی و دارو جایگزین شد.این سیاست تا اواسط سال دوم دولت چهاردهم ادامه داشت، اما مشکلات تأمین ارز وارداتی در نهایت دولت را به سمت حذف ارز و ۲۸۵۰۰ تومانی و مدیریت بازار ارز بر اساس سازوکار بازار سوق داد.

همزمان، دولت متعهد شد به میزان آزادسازی صورت‌گرفته، کالابرگ یک میلیون تومانی به ازای هر فرد به سرپرست خانوار اختصاص دهد تا بخشی از آثار افزایش قیمت‌ها در سبد خانوار جبران شود.

از اعتبار یارانه تا سبد ۱۵ قلمی

در مدل جدید، به ازای هر نفر ماهانه یک میلیون تومان اعتبار برای خرید کالاهای اساسی شارژ می‌شود. این اعتبار ابتدا برای خرید ۱۱ قلم کالای ضروری اختصاص یافت و سپس شمار کالاها به ۱۵ قلم افزایش پیدا کرد و طرح بخش بزرگی از جمعیت کشور را پوشش داد. در نخستین مرحله، اعتبار چهار ماهه به‌صورت یکجای یک‌بار بخش بزرگی از جمعیت کشور را پوشش داد. در نخستین مرحله، اعتبار چهار ماهه به‌صورت یکجای معادل چهار میلیون تومان برای هر نفر، در حساب سرپرست خانوار شارژ شد. اعتبار استفاده‌نشده نیز به ماه‌های بعد منتقل می‌شود و خانوار امکان خرید یک‌باره یا چندمرحله‌ای دارد.

تداوم اجرای کالابرگ در سال ۱۴۰۵

بعقوب اندیش، معاون رفاه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از اختصاص ۹۶۰ هزار میلیارد تومان برای تأمین اعتبار کالابرگ الکترونیک در بودجه ۱۴۰۵ خبر داده است؛ موضوعی که نشان‌دهنده تداوم اجرای این طرح در سال جاری است.

حفظ قدرت خرید مردم، به‌ویژه دهک‌های کم‌درآمد، از اهداف اصلی این سیاست عنوان شده است تا در شرایط جنگ، تحریم، محدودیت‌های ارزی و مشکلات تجارت خارجی، خانوارها از حداقل‌های معیشتی محروم نشوند. با وجود افزایش هزینه‌های تولید و واردات و تأثیر جنگ و تحریم بر اقتصاد، دولت بر ادامه سیاست کالابرگ تأکید دارد. به اعتقاد دولت، این طرح می‌تواند ضمن حمایت از قدرت خرید خانوارها، به تأمین امنیت غذایی و جلوگیری از ایجاد کمبود در بازار کالاهای اساسی کمک کند.

درمان گران در ایران؛ چرا بیماران درمان را نیمه‌کاره رها می‌کنند؟

با وجود اینکه حدود ۹۵ درصد جمعیت تحت پوشش بیمه عمومی هستند، سهم پرداخت مستقیم مردم از کل هزینه سلات در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۴٫۱۵ درصد بوده است. یعنی فاصله میان «بیمه‌شدن» و «توان درمان‌شدن» به یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصاد سلامت تبدیل شده است. مظهر خردمندان در اقتصادنیزو نوشت: «گرانی درمان، بسیاری از بیماران را وادار کرده به‌جای درمان کامل، درد را موقتاً کنترل کند و تصمیم اصلی را به زمانی تا‌معلوم بپسارند. ندانن ار می‌کنند و درمان را نیز تأخیر، جلسات توانبخشی را از سه جلسه به یکی می‌رسانند، جراحی را از خصوصی به دولتی می‌برند و بخشی از نسخه را به خاطر هزینه حذف می‌کنند».

با وجود اینکه حدود ۹۵ درصد جمعیت تحت پوشش بیمه عمومی هستند، سهم پرداخت مستقیم مردم از کل هزینه سلامت در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۴٫۱۵ درصد بوده است. یعنی فاصله میان «بیمه‌شدن» و «توان درمان‌شدن» به یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصاد سلامت تبدیل شده است. مهم‌ترین مسائل اقتصاد سلامت تبدیل شده است. مظهر خردمندان در اقتصادنیزو نوشت: «گرانی درمان، بسیاری از بیماران را وادار کرده به‌جای درمان کامل، درد را موقتاً کنترل کند و تصمیم اصلی را به زمانی تا‌معلوم بپسارند. ندانن ار می‌کنند و درمان را نیز تأخیر، جلسات توانبخشی را از سه جلسه به یکی می‌رسانند، جراحی را از خصوصی به دولتی می‌برند و بخشی از نسخه را به خاطر هزینه حذف می‌کنند».

با وجود اینکه حدود ۹۵ درصد جمعیت تحت پوشش بیمه عمومی هستند، سهم پرداخت مستقیم مردم از کل هزینه سلامت در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۴٫۱۵ درصد بوده است. یعنی فاصله میان «بیمه‌شدن» و «توان درمان‌شدن» به یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصاد سلامت تبدیل شده است. مهم‌ترین مسائل اقتصاد سلامت تبدیل شده است. مظهر خردمندان در اقتصادنیزو نوشت: «گرانی درمان، بسیاری از بیماران را وادار کرده به‌جای درمان کامل، درد را موقتاً کنترل کند و تصمیم اصلی را به زمانی تا‌معلوم بپسارند. ندانن ار می‌کنند و درمان را نیز تأخیر، جلسات توانبخشی را از سه جلسه به یکی می‌رسانند، جراحی را از خصوصی به دولتی می‌برند و بخشی از نسخه را به خاطر هزینه حذف می‌کنند».

در بیماری‌های ارتوپدی، بیمار نمی‌گوید «جراحی نمی‌کنم!»؛ می‌گوید «فلا نه». بار مراجعه به مراکز دولتی تنها در خرداد اسمال نسبت به سال قبل ۴۵ درصد افزایش یافته و دریافت یک خدمت در بخش خصوصی می‌تواند ۱۰ تا ۲۰ برابر مرکز دولتی هزینه داشته باشد.

پرداخت از جیب برای دارو حدود ۳۱٫۲ درصد هزینه‌های سلات خانوارها را تشکیل می‌دهد و بار دارویی هزینه‌های کم‌رشدن بیشتری در خانوارهای فقیر متمرکز است. آمار دقیقی از تعداد بیماران که درمان را به تأخیر می‌اندازند یا ناقص می‌کنند وجود ندارد. فقیرترین بیمار ممکن است هزینه زیادی در آمار ثبت نکند، نه به این دلیل که درمان برای او ارزان بوده، بلکه چون اسامای خدمت را نخریده است. سؤال بیمار از «بهترین درمان برای من چیست؟» به این تغییر کرده که «فعلا چه کاری کنم که بتوانم با این درد ادامه بدهم؟»

